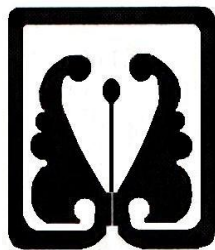


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه گیلان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد

ارزش اثباتی شهادت در امور مدنی در حقوق ایران و مصر

از

سیده زینب محمدی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عبدالرستمی

اسفند ۱۳۹۰

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه حقوق

حقوق خصوصی

ارزش اثباتی شهادت در امور مدنی در حقوق ایران و مصر

از

سیده زینب محمدی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عبداله رستمی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید محمد اسدی نژاد

اسفند ۱۳۹۰

ارزش اثباتی شهادت در امور مدنی در حقوق ایران و مصر

سیده زینب محمدی

شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی، از زمان های گذشته مورد توجه و اقبال جوامع بشری بوده است اما با اختراع خط و رواج آن در بین عموم، به مرور از اعتبار به اذهان شهود کاسته شد و متعاقباً برخی از سیستم های حقوقی دنیا استناد به شهادت را محدود به موارد کم اهمیت و جزئی کردند. حقوق ایران قبل از انقلاب اسلامی به پیروی از سیستم حقوقی فرانسه قائل به محدود کردن ارزش اثباتی شهادت بوده و حقوق کشور مصر نیز همچنان اعتبار محدودی برای شهادت شهود در نظر می گیرد.

در این تحقیق ضمن مطالعه قلمرو اثباتی شهادت در حقوق ایران به بررسی نظام حقوقی حاکم بر کشور مصر نیز پرداخته می شود تا میزان تأثیر پذیریدو سیستم به عنوان دو کشور اسلامی از فرامین الهی، مورد تطبیق قرار گیرد. قانون گذار ایران پس از اصلاحات سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ به سمت حقوق اسلامی و فقه امامیه گرایش پیدا کرده است. حذف مواد ۱۳۰۶ الی ۱۳۱۱ ق.م (به جز ماده ۱۳۰۹ ق.م) موجب رفع محدودیت اثباتی شهادت شده، به نحوی که اثبات تمامی دعاوی از طریق شهادت امکان پذیر می باشد. در مقابل حقوق کشور مصر تلفیقی از حقوق فرانسه و فقه حنفی است، البته مطالعات انجام شده این را می رساند که در تدوین قانون حداقل در باب شهادت بیشترین الهام را از قانون فرانسه اقتباس کرده است. قانون گذار مصر موارد محدودی را که در قانون اثبات احصاء کرده است قابل اثبات با شهادت شهود می داند و با تعیین حدنصاب (۵۰۰ جنیه مصری) سعی در تضیق محدوده ی اثباتی شهادت را دارد.

کلید واژه: ادله اثبات دعوی، شهادت شهود، شهادت خلاف واقع، اختیارات قاضی، استماع شهادت، قانون اثبات مصر.

« مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ »

با سپاس به درگاه ایزد منان که توفیق انجام این پژوهش را نصیب این حقیر نمود، به مصداق کلام الهی بر خود لازم می دانم که از زحمات کلیه عزیزانی که در انجام این تحقیق مرا یاری کرده اند، تشکر نمایم.

از زحمات و راهنمایی های دلسوزانه و ارزشمند اساتید راهنما و مشاورم جناب آقایان دکتر عبداله رستمی و دکتر سید محمد اسدی نژاد که با سعه صدر و زحمات بی دریغشان از آغاز تا اتمام کار مرا یاری نمودند تشکر و قدردانی می نمایم.

از جناب آقای دکتر مقدم و آقای دکتر ایمان پور که زحمت مطالعه پایان نامه و حضور در جلسه دفاع از رساله اینجانب را متقبل شده اند کمال امتنان را دارم. همچنین از اساتید محترم گروه حقوق، دکتر مقصودی و دکتر شاه ملک پور که در طول دوره تحصیل الگویی شایسته برایم بوده اند سپاسگزاری می کنم.

در پایان از تلاش های مجدانه ی استاد عزیز جناب آقای دکتر حسین محسنی که در انجام این پژوهش یاریگر بنده بودند تشکر و قدردانی می نمایم.

پیشکش بہ روح مطہر اسوہ بی بدیل اخلاص؛ شہید مہدی باکری

و تقدیم بہ

پدر و مادر عزیزتر از جانم کہ شمع فروزان وجودشان تفسیر ایثار و محبت است

و ہمسر مہربانم کہ ستارہ پرفروغ حضورش امید می نورد و وجودم آفرید.

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
	فصل اول : کلیات
۶	۱-۱ مفهوم لغوی و اصطلاحی شهادت
۸	۱-۲ پیشینه ی تاریخی شهادت
۹	۱-۳ جایگاه شهادت در اسلام
۱۰	۱-۴ شرایط اعتبار شهادت
۱۰	۱-۴-۱ شرایط شاهد
۱۰	۱-۴-۱-۱ بلوغ
۱۲	۱-۴-۱-۲ عقل
۱۴	۱-۴-۱-۳ عدالت
۱۶	۱-۴-۱-۴ ایمان
۱۷	۱-۴-۱-۵ طهارت مولد
۱۸	۱-۴-۱-۶ ذینفع نبودن
۱۹	۱-۴-۱-۷ عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوی
۲۰	۱-۴-۱-۸ عدم تکدی گری
۲۱	۱-۴-۲ شرایط ادای شهادت
۲۱	۱-۴-۲-۱ قطعی و یقینی بودن شهادت
۲۲	۱-۴-۲-۲ مطابق دعوی بودن شهادت
۲۲	۱-۴-۲-۳ توافق شهادت شهود در معنی

۲۳	۵-۱ تفاوت شهادت با اصطلاحات مشابه (بینة ، روایت ، استفاضه)
۲۳	۱-۵-۱ تفاوت شهادت با بینة
۲۴	۱-۵-۲ تفاوت شهادت با روایت
۲۶	۱-۵-۳ تفاوت شهادت با استفاضه
۲۸	۱-۶ اقسام شهادت
۲۸	۱-۶-۱ شهادت کتبی و شهادت شفاهی
۲۹	۱-۶-۲ شهادت در دادگاه و شهادت در خارج از دادگاه
۳۰	۱-۶-۳ شهادت مستقیم و شهادت غیر مستقیم (شهادت بر شهادت)
فصل دوم: قلمرو شهادت و جایگاه شهادت در بین ادله اثبات دعوی	
۳۵	۱-۲ دعاوی قابل اثبات با شهادت در امور مدنی حقوق ایران و مصر
۳۵	۱-۱-۲ حقوق ایران
۳۸	۲-۱-۲ حقوق مصر
۴۲	۲-۱-۲ مسائل تجاری
۴۳	۲-۱-۲ تصرفات قانونی تا ارزش ۵۰۰ جنیه مصری
۴۳	۲-۱-۲ وجود موانع دستیابی به سند
۴۴	۲-۱-۲ موانع مادی
۴۵	۲-۱-۲ موانع ادبی
۴۶	۲-۱-۲ موانع بر حسب عادت
۴۶	۲-۱-۲ فقدان سند به دلیل قوه قهریه
۴۷	۲-۱-۲ وجود مبدأ ثبوت کتابت (سند)

۴۷	۲-۱-۲-۵ وجود ورقه کتبی
۴۸	۲-۱-۲-۵ صدور ورقه مذکور از جانب مدعی علیه
۴۹	۲-۱-۲-۵ قریب الوقوع بودن واقعه ی مورد نظر
۵۰	۲-۲ جنسیت و تعدد شهود
۵۰	۲-۲-۱ فتاوی مشهور فقهای امامیه
۵۳	۲-۲-۲ فتاوی فقهای عامه
۵۴	۲-۲-۳ قواعد حاکم بر جنسیت و تعدد شهود در حقوق ایران و مصر
۵۶	۲-۳ تعارض شهادت با سایر ادله
۵۶	۲-۳-۱ تعارض شهادت با اقرار
۶۰	۲-۳-۲ تعارض اماره با شهادت
۶۰	۲-۳-۳-۱ اماره قانونی
۶۲	۲-۳-۳-۲ اماره قضایی
۶۴	۲-۳-۳ تعارض شهادت با سند
۶۵	۲-۳-۳-۱ تعارض شهادت با اسناد رسمی
۷۱	۲-۳-۳-۲ تعارض شهادت با اسناد عادی
۷۲	۲-۴ ارزیابی روانی شهادت شهود
۷۲	۲-۴-۱ عوامل شخصی
۷۴	۲-۴-۲ عوامل شخصیتی
	فصل سوم: آئین استماع شهادت شهود
۷۹	۳-۱ فرآیند اثباتی شهادت شهود

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۸۰	۳-۱-۱ تکالیف متقاضی شهادت
۸۰	۳-۱-۱-۱ تکالیف احضار شهود
۸۲	۳-۱-۱-۲ پرداخت هزینه های متحمله توسط گواهان برای اداء شهادت
۸۴	۳-۱-۲ تکالیف دادگاه در جریان استماع شهادت
۸۴	۳-۱-۲-۱ عدم دخالت در کیفیت ادای شهادت
۸۵	۳-۱-۲-۲ استماع جداگانه ی گواهی گواهان و تأمین آزادی آنها
۸۵	۳-۱-۲-۳ تنظیم صورت مجلس گواهی
۹۰	۳-۲-۲ جرح و تعدیل شاهد
۹۰	۳-۲-۱ مفهوم جرح شاهد
۹۱	۳-۲-۲ عناصر جرح
۹۲	۳-۲-۳ مقایسه جرح با تعدیل
۹۲	۳-۲-۳-۱ قلمرو تعدیل
۹۳	۳-۲-۳-۲ ماهیت تعدیل و جرح
۹۴	۳-۲-۴ زمان ایراد جرح و آثار آن بر شهادت
۹۶	۳-۳ رجوع از شهادت
۱۰۰	۳-۴ شهادت خلاف واقع
۱۰۰	۳-۴-۱ گواهی کذب
۱۰۱	۳-۴-۱-۱ مسئولیت کیفری شهادت کذب
۱۰۲	۳-۴-۱-۲ مسئولیت مدنی گواهی کذب
۱۰۳	۳-۴-۱-۳ اثر گواهی کذب در حکم دادگاه

صفحه

عنوان

۱۰۵

نتیجه گیری

۱۱۰

فهرست منابع

علايم اختصاری

قانون آئين دادرسی کیفری	ق.آ.د.ک
قانون آئين دادرسی مدنی	ق.آ.د.م
قانون اساسی	ق.ا
قانون اجرای احکام مدنی	ق.ا.ا.م
قانون امور حسبی	ق.ا.ح
قانون اثبات مصر	ق.ا.م
قانون تجارت	ق.ت
قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب	ق.ت.د.ع.و.ا
قانون ثبت	ق.ث
قانون مدنی	ق.م
قانون مجازات اسلامی	ق.م.ا
قانون مجازات عمومی	ق.م.ع
قانون مرافعات مصر	ق.م.م

مسئله‌ی اقامه‌ی دعوی و احقاق حق سابقه‌ای به عمر بشریت دارد و شهادت یکی از قدیمی‌ترین ادله‌ای است که تمامی ملل از ادوار دور تاریخ تاکنون برای اثبات دعاوی خود، از آن بهره‌جسته‌اند.

در دوران کهن و قبل از اختراع خط، استناد به شهادت برای رسیدن به حق، رونق بسیاری داشته و ارزش نامحدودی را برای آن قائل بودند. با توسعه‌ی عمومی علم آموزی در جوامع و رواج تنظیم سند در اعمال حقوقی و ایراداتی که از لحاظ علم روانشناسی در ارتباط با شهادت مطرح شده و احتمال دروغ و غیر واقعی بودن اظهارات شاهد، قریب به اتفاق کشورها در صدد تحدید حوزه‌ی اثباتی شهادت و تعیین ضوابط خاصی برای شاهد برآمده‌اند. با وجود این تصمیمات هنوز هم شهادت در برخی امور، دلیل اثباتی منحصر به شمار می‌آید.

قرآن کریم به دور از هرگونه تحریف و دستبرد، به عنوان معتبرترین کتاب راهنمای بشریت، در موارد متعددی برای اثبات دعاوی به شهادت اشاره نموده و موارد ارجاع به شهادت و شرایط شاهد را به صورت مختصر ولی واضح و گویا بیان کرده است. فقهای عظام نیز در کتب فقهی خود باب مستقلی را به شهادت اختصاص داده‌اند.

از آنجا که شهادت در گذشته و حال، همزاد با دعاوی مطروحه بوده و به گونه‌ای با تاریخ حقوق همه‌ی کشورها عجین شده است، با وجود روند متفاوت ارزش گذاری برآن، هیچ‌گاه به طور کلی از عداد دلایل مثبت ادعا محو نگردیده و در همه‌ی سیستم‌های حقوقی به عنوان یکی از ادله‌ی اثبات دعوی مطرح می‌شود. مقنن ایرانی در زمان تصویب جلد سوم قانون مدنی در سال ۱۳۱۴ ضمن اتکاء بر مبانی فقهی، به هماهنگی با حقوق کشورهای پیشرفته به لحاظ امکان تزلزل گواهان، ارزش اثباتی آن را محدود نموده بود، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اصلاحات سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ مواد متعددی از قانون مدنی را، که ارزش اثباتی شهادت را به موارد کم اهمیت محدود کرده بود (۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۳ مکرر الحاقی) حذف نمود. سرنوشت ماده ۱۳۰۹ قانون مزبور، با وجود اراده‌ی قانون‌گذار بر بقای این ماده، به لحاظ نظر شورای نگهبان بر غیر شرعی بودن آن، همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

اهمیت این موضوع ما را بر آن داشت تا با مطالعه ی تطبیقی موضوع در حقوق مدنی و آئین دادرسی مدنی ایران که الهام گرفته از حقوق مدنی فرانسه و فقه امامیه است و حقوق مدنی و نیز آئین دادرسی مدنی مصر (قانون اثبات و قانون مرافعات مصر) که متون حقوقی خود را از حقوق فرانسه اقتباس کرده و پرچمدار فقه اهل سنت است، به بررسی ارزش اثباتی شهادت در امور مدنی در دو سیستم حقوقی مذکور بپردازیم .

در این پژوهش سه سؤال اساسی مطرح می شود :

۱ - حقوق ایران و مصر چه دیدگاهی در مورد الزام قاضی در پذیرش شهادت به عنوان ادله اثبات دعوی دارند .

۲ - اعتبار شهادت در مقام تعارض با سایر ادله در حقوق ایران و مصر چگونه است ؟

۳ - قلمرو اثباتی شهادت در دو سیستم حقوقی ایران و مصر چه شباهت و تفاوتی دارد ؟

فرضیه های پژوهش :

۱ - قاضی در مصر ملزم به تبعیت از محدودیت های قانونی (قانون گذار اعتبار و ارزش هر یک از ادله را معین کرده است) می باشد . شهادت در مصر موضوعیت دارد، یعنی اگر شرایط شهود موجود باشد قاضی مکلف به صدور رأی است . در حقوق ایران شهادت شهود طریقیست دارد و سنجش ارزش شهادت با قاضی است .

۲ - در حقوق ایران شهادت واجد شرایط، می تواند مفاد اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار آن در محکمه محرز شده باشد را مخدوش کند . در حقوق مصر ارزش اثباتی اسناد در میان سایر ادله اثبات دعوی (بعد از اقرار) در مرتبه ی نخست قرار دارد و نمی توان به واسطه ی شهادت آن را بی اعتبار کرد .

۳ - در ایران شهادت شهود قابلیت اثبات انواع دعاوی را دارد، اما در مصر علاوه بر تعیین حدنصاب برای مورد شهادت، استناد به گواهی محدود به موارد مشخصی شده است .

این پایان نامه مشتمل بر سه فصل است :

در فصل اول، کلیات پژوهش مطرح می شود و به مباحثی چون تعاریف و مبانی فقهی، شرایط شهادت و شاهد در حقوق ایران و مصر، وجه تمایز شهادت با موارد مشابه (بینه ، روایت ، استفاضه) و اقسام شهادت در دو سیستم حقوقی مذکور پرداخته می شود .

در فصل دوم، دعاوی قابل اثبات با گواهی در حقوق ایران و مصر بررسی می شود، ضمن آن که جنسیت و تعدد شهود با ارائه ی فتاوی فقهای امامیه و اهل سنت مورد تبیین قرار می گیرد . تعارض شهادت با سایر ادله اثبات دعوی در حقوق ایران و مصر، همچنین ارزیابی شهادت شهود از لحاظ روانی (عوامل شخصی و شخصیتی) مورد مطالعه قرار می گیرد .

در فصل سوم، فرآیند اثباتی شهادت (تکالیف مشهودله و دادگاه)، موارد جرح و تعدیل شاهد و در نهایت رجوع از شهادت و مجازات شهادت کذب در حقوق ایران و مصر مورد تحلیل قرار می گیرد .

فصل اول

کلیات تحقیق

اکثر کشورها برای پذیرفته شدن قوانین و مقررات در بین اقشار مردم و احترام آن ها به قواعد حاکم بر جامعه، سعی دارند هنگام قانون گذاری به دین و مذهب رایج در کشور توجه داشته باشند، این امر در حقوق کشورهای اسلامی پررنگ تر است . حقوق ایران در رابطه با موضوع شهادت، شرایط شهادت و ارزش آن در مقابل سایر طرق اثبات دعوی کاملاً متأثر از فقه امامیه است . پس از بررسی موارد مذکور در حقوق مصر، میزان تأثیر پذیری آن ها از فقه اسلامی، مورد ارزیابی قرار می گیرد . مطالب این فصل را در قالب ۵ گفتار ارائه می نمائیم .

- تعاریف وارده از حقوق دانان و فقهای عظام در رابطه با مفهوم لغوی و اصطلاحی شهادت،
- پیشینه ی شهادت و جایگاه آن در حقوق اسلامی،
- عناصر شهادت،
- شرایط شاهد،
- نکات افتراق تشابه شهادت با بیینه و استفاضه و روایت،
- اقسام شهادت را (در حقوق ایران و مصر) مورد بررسی و مطالعه قرار می دهیم .

۱-۱ مفهوم لغوی و اصطلاحی شهادت

کلمه ی شهادت در لغت ؛ از ریشه ی ثلاثی مجرد « شَهَدَ » گرفته شده است و مشتقات فراوانی دارد، هر گاه شَهَدَ به همراه "با" بیاید مانند : « شهد بكذا » به معنای گواهی دادن است و استعمال واژه شهد به همراه حرف اضافه "علی" به عنوان مثال : « فشهد علیه » به معنای إخبار قاطع علیه شخصی است، اگر بدون حرف اضافه استعمال شود، مفهوم ادراک به وسیله یکی از حواس از آن استنباط می شود. (نجار ، ۱۹۷۲ ، ۴۹۷) شهادت در لغت به معنای گواهی دادن و سوگند، حضور و آگاهی است، در اصول به خبر دادن از امری با آگاهی و اطلاع یقینی، شهادت گویند . (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴ ، ۱۱۹۳)

تعریف فقها از شهادت نزدیک به معنای لغوی آن است « هو الاعلام و إخبار عن الحق لازم لغير و يعتبر فيه الجزم و اليقين واقع من غير الحاكم . » (مقدس اردبیلی ، ۱۴۱۶ ه.ق ، ۴۴۰) و تعریف جامع تر این است که « و الشهادة عبارة عن الاخبار الصادق في المجلس الحكم بلفظ الشهادة لإثبات حق على الغير . » (موسوی ، ۱۹۹۹ ، ۱۹۸) صاحب جواهر با قبول تعریف فوق مرجع نهایی تعریف شهادت را عرف می داند . (نجفی، ۱۳۹۶ ه.ق، ۴۱)

دکتر جعفری لنگرودی در کتاب فرهنگ عناصر شناسی به دقت تمام به تبیین چند مقوله برای شهادت می پردازد که به ترتیب ذیل است :

۱) شهادت عموماً از جنس إخبار است، چنان که روایت راوی، دعوی مدعی، اقرار، ترجمه برای دادگاه و اظهار نظر قاضی ... پس شاهد باید قصد إخبار داشته باشد .

۲) اگر تخصصی داشته باشد به استناد تخصص خود خبر ندهد ، پس ترجمه و نظر کارشناسان خارج شد زیرا آنها به استناد تخصص خود إخبار می دهند . رأی اعلامی قاضی هم مستند به تخصص اوست و از تعریف شهادت خارج است .

۳) إخبار شاهد از روی علم و بدون واسطه یا مستند به قول دیگران (استفاضه) باشد .

۴) علم او، علم شخصی باشد نه علم نوعی، پس نمی توان از روی اقرار دیگری که مفید علم نوعی است قطع به مورد شهادت پیدا کرد . چنین است علم حاصل از رویت سند و خط کشی . سند مفید علم نوعی است نه شخصی .

۵) إخبار شاهد باید اصالتاً باشد نه وکالتاً .

۶) مورد إخبار شاهد باید جزئی حقیقی منطقی باشد مانند إخبار مزکین از عدالت شاهد دعوی .

۷) إخبار نباید از فعل مخبر باشد پس إخبار قاضی به قاضی دیگر شهادت نیست زیرا إخبار از فعل خویش است .

۸) شاهد نباید ذینفع در إخبار خود باشد پس إخبار مدعی در طرح دعوی که به نفع اوست از تعریف شهادت خارج است .

۹) إخبار شاهد نباید به ضرر خود شاهد باشد که این امر قرار تلقی می شود .

۱۰) إخبار شاهد باید اصالتاً به قصد شرکت در احقاق حق باشد پس خبر راویان احادیث، عنوان شهادت را ندارد . (جعفری لنگرودی ، ۱۳۸۲ ، ۳۹۷)

با توجه به موارد مذکور می توان در جمله ای کوتاه، تعریفی که به نظر جامع و مانع باشد ارائه نمود شهادت خبری قطعی حاصل از حواس پنجگانه در جهت جلب منفعت برای غیر است خواه برای دیگری ضرری به همراه داشته باشد یا خیر .

در حقوق ما شهادت تعریف نشده است . در تعاریف فقها و حقوق دانان به نکات مشترکی صرف نظر از تفاوت ها که اساس و چارچوب شهادت را در برمی گیرد می رسیم . صاحب جواهر شهادت را در لغت به معنای حضور و در شرع، إخبار قطعی از حقی که برای دیگری لازم و ثابت شده است می داند . (نجفی، ۱۳۹۶ ه.ق، ۱۹۵) «گاهی در شهادت نظر به إخبار است مانند شهادتی که راجع به موضوعات خارجیه، همچون شهادت به نفع مدعی در مرافعات و گاهی نظر به حضور است مانند شهادت در طلاق، بنابراین تقیید در تعریف مذکور به این که حقی است برای غیر، موجب خروج شهادت در رویت هلال، بلکه شهادت در آنچه که سبب حد می شود خواهد شد .» (خوانساری، ۱۴۰۵ ه.ق، ۹۶)

در حقوق مدنی مصر، تعریفی از شهادت ارائه نشده است . مؤلفان و حقوق دانان مصری معنایی نزدیک به معانی که در حقوق ایران ارائه شده است بیان کرده اند، بدین صورت که « شهادت را در لغت، اخباری از مشاهده و معاینه می دانند و در اصطلاح، إخبار انسانی در جهت جلب منفعت برای دیگری و علیه شخص دیگر .» (العمروسی، ۱۹۶۶ ، ۷۲۷)

با توجه به تعریف فوق می توان مسامحه ای را در کلام مؤلف مصری یافت و آن قید "علیه شخص دیگری بودن" شهادت است . چه بسا شهادت در جهت جلب منفعت برای مشهود له باشد بدون این که ضرری برای شخص ثالثی به همراه داشته باشد، احتمالاً مؤلف مزبور در تعریف ارائه شده در صدد

بیان تفاوت اقرار با شهادت بوده است، به این نحو که وجه تمایز اقرار و شهادت در این است که، در اقرار اخبار مقرر به ضرر خود اوست اما در شهادت ضرر متوجه شخص ثالث است .

۱-۲ پیشینه ی تاریخی شهادت

شهادت در ادوار دور تاریخ، هنگامی که خط اختراع نشده بود، در حقوق همه ی کشورها وجود داشته و به نظر می رسد بشر اولیه برای اثبات ادعای خود چاره ایی جز توسل به شهادت و اقرار نداشته است. به دلیل محدود بودن ادله ی اثبات دعوی، تمامی دعاوی از طریق شهادت قابل اثبات بودند . "چنانچه در مذهب یهود هیچ عقد و قراردادی بدون حضور شاهد، معتبر نبود و جهت و ثبات هر دعوی مدنی را در شهادت می جستند . در حقوق رم، اولاً تعدد شاهد و عینی بودن آن برای اثبات امور لازم بوده است . در ایران باستان، حتی شهادت برادر و زن بدون توجه به درجه قرابت قابل استماع بود و کمیت و کیفیت شهود نسبت به دعاوی وضع متفاوتی داشت . مثلاً امری که در بیابان واقع می شد به شهادت یک نفر اثبات می شد، در حالی که امور دیگر دوازده شاهد لازم داشت . در اسلام، هم در امور مدنی، هم در امور جزائی و هم در تنظیم اسناد شهادت دلیل معتبر و مؤثر است ." (مدنی، ۱۳۷۷، ۲۱۷)

با ایجاد و رواج خط در بین ملل، به تدریج استناد به شهادت شهود کاهش یافت، عموماً مردم برای حفظ حقوق و اثبات مطالبات و دیون خود، ترجیح می دادند به حافظه ی شهود اکتفاء نکنند و به سندی که توسط روحانیون یا اشخاص باسواد و معتمد تنظیم می شد، تمایل بیشتری نشان می دادند. به مرور زمان ارزش شهادت شهود مورد تردید قرار گرفت و محاکم حقوقی بسیاری از کشورها از پذیرش آن برای اثبات مطلق دعاوی امتناع می کردند و قلمرو اثباتی شهادت را محدود به موارد خاص و کم اهمیت نمودند .

برخی از مؤلفین و حقوق دانان کشورهای خارجی برای اثبات بی اعتباری شهادت دست به آزمایش و تجربه زدند و جمعی را به نمایش فیلم دعوت کرده و بعد از آنها خواستند که مشاهدات خود را بنویسند، نتیجه این بود که هر نفر داستان فیلم را مطابق ذوق و سلیقه ی خود شرح می داد و اظهارات آنان با اصل موضوع فیلم انطباق نداشت . پس از یک ماه، از همان افراد خواستند بار دیگر مشاهدات خود را در مورد همان فیلم بنویسند، نوشته ی این بار افراد نه با موضوع فیلم منطبق بود نه